یادداشت

حفظ ارزش‌های نسلی

عباس کاظمی
جامعه‌شناس

بعد از بازگشایی دانشگاه‌ها تنش میان دانشجویان با دانشگاه به موضوع مهمی در این روزها تبدیل شده است. مهم نیست داستان از کجا شروع شد مهم این است که معاون فرهنگی یک دانشگاه، داستان را از کجا شروع می‌کند: «دانشجوی خانمی که رنگ موهای خود را فیروزه‌ای یا آبی می‌کند و موهای خود را از مقنعه بیرون می‌گذارد و از نشان دادن کارت دانشجویی خود امتناع می‌کند و قصد دارد به زور وارد دانشگاه شود، مشخص است در حال اجرا کردن نقشه‌هایی از پیش تعیین شده است.» در جایی دیگر، یکی از معلم‌های مدرسه گزارش کرده است که «دانش آموزان دختر در یک مدرسه، به دلیل رنگ مو، برداشتن ابرو، استفاده از زیورآلات و... قوانین مدرسه را زیرپا می‌گذارند و مهم‌تر اینکه والدین با مدرسه همکاری نمی‌کنند.» اینها تنها نمونه‌هایی کوچک از تغییراتی است که دوران قرنطینه کرونا آنها را تشدید کرده است. دانشجویانی که دو سال از تحصیل‌شان گذشته اما هنوز دانشگاه را ندیده‌اند و تازه به فضای دانشگاه یا مدرسه پا می‌گذارند با ارزش‌هایی بزرگ شدند که حتی صرفا، تحت کنترل والدین هم نیستند. این دانش آموزان، ذیل نظام «جامعه پلتفرمی» رشد کرده‌اند. ارزش‌ها، سبک زندگی، مد، امیال، شبکه‌های دوستی، حساسیت‌های فرهنگی و اجتماعی، نظام‌های تشویقی و... همه و همه درون شبکه‌های اجتماعی تعریف و تعیین شده‌اند. این در حالی‌ست که در دوران همه‌گیری کرونا، نظام‌های آموزشی رسمی، نقش پررنگی خود را از دست دادند و صرفا دل‌مشغول مسائل آموزشی شدند اما دانش آموزان بیکار ننشستند و هرچه بیشتر به گوشی‌های هوشمند و تلبت‌های خود وابسته شدند. از سوی دیگر، وابستگی ارزشی بیشتری میان والدین و فرزندان (به دلیل مجاورت بیشتر) در طول دوره همه‌گیری ایجاد شده است. آیا با پدیده تازه‌ای روبه‌رو هستیم؟ آیا منازعه جدید دانشجویان و دانش آموزان بر سر سبک زندگی قرار است مسأله‌ای مهم در دهه پیش‌رو باشد؟ زیرا گذاشتن ارزش‌های مدرسه و دانشگاه امری جدید نیست، هر نسلی قواعد خود را برای دستکاری یا ارزش‌های رسمی داشته است. واقعیت مهم، عدم همراهی دانش آموزان و دانشجویان با ارزش‌های رسمی مدارس و دانشگاه‌ها نیست مسأله این خواهد بود که والدین تا چه اندازه قرار است مدرسه را همراهی کنند؟ و آیا عدم همراهی والدین با سیاست‌های تربیتی رسمی به چالش میان دو نهاد خانواده و مدرسه دامن خواهد زد؟ پاسخ به این پرسش‌های مهم آسان نیست اما در حد فرضیه می‌توان گفت پس از همه‌گیری کرونا، افکار عمومی هرچه بیشتر در قابلیت نظام آموزشی تردید کرده است. از سویی دیگر، در طول ۴۰ سال گذشته، در حالی که والدین به لحاظ نسلی، تغییر کرده‌اند اما نهاد آموزش، تغییر محسوسی نداشته است. والدین دهه ۶۰، علاقه به تکرار تجربیات زمان خود ندارند. این امر تنش‌ها را بین والدین و مدرسه - و نه صرفا دانش آموزان - بیشتر خواهد کرد. با این حال، در جامعه‌شناسی چیزی به اسم «هقشه‌های از پیش تعیین شده» وجود ندارد. بلکه «هقشه‌ها»، محصول عمل اجتماعی مدرسه یا دانشگاه، کردارهای معلمان و مدیران انضباطی، نظام ارزشی در خانه، گروه‌های متعدد دوستی دانش آموزان و دانشجویان، رسانه‌های قدیم و جدید، سیاست‌های رسمی و غیررسمی به کار گرفته شده در جامعه و در مجموع، مواجهه فردی و اینکاری کنشگر با همه این مولفه‌هاست. نقشه‌ها از پیش، تعیین نمی‌شوند بلکه در جریان اجتماعی ساخته و مصرف می‌شوند. مشق جامعه را مجموعه متعددی از نیروهای اسنادی و غیراسنادی تدوین می‌کنند. مدیران فرهنگی ابتدا باید بتوانند درک درستی از مسأله فرهنگی در یک نهاد آموزشی داشته باشند. جمله مشهوری است که می‌گوید: فهم مسأله نیمی از مسیر برای حل مسأله است. در این میان، یادمان باشد برخی اوقات، راه حلی جز انحلال خود مسأله، وجود ندارد. همان‌اندازه که دانش آموزان و دانشجویان باید متناسب با فضای آموزشی رفتار کنند، نهادهای آموزشی باید تکانی به خود بدهند و اندکی بیشتر خود را با شرایط در حال تغییر همراه کنند و مدیران فرهنگی نیز برحسب ضرورت، خود را با سازوکارهایی که جامعه با آن کار می‌کند آشنا سازند.

فراسو

دستیار ویژه وزیر خارجه:

سطح روابط اقتصادی با قطر زیننده نیست

دستیار ویژه وزیر خارجه با بیان اینکه روابط اقتصادی ایران و قطر اصلا زیبنده نیست، اظهار کرد: با توجه به روابط دریایی نزدیک با قطر، بستر خوبی برای صادرات محصولات و کالاهای ایرانی مهیاست. عبدا... سهرابی در خصوص راهبردهای دو کشور قطر و ایران به برنامه رویداد گفت: بعد از انقلاب نامحرمان منطقه که سفره خود را کمرنگ دیدند، با شکل دادن شورای همکاری خلیج فارس نهادی را در تعارض با جمهوری اسلامی طراحی کردند. در این میان قطر از ابتدای پیروزی انقلاب نظام ایران را به رسمیت شناخت و به این جمع بندی رسیدند که با ایران باید روابط تجاری و دو طرفه داشته باشند. وی با اشاره به پیشینه ارتباط دو کشور و دو ملت گفت: ۲۷ سال گذشته برای شرکت در اجلاس ۱۹۹۵ با پدر بزرگ امیر فعلی قطر ملاقات داشتیم و می‌گفت زمانی که ما در بحران قرار گرفتیم، مردم ایران در بوشهر حتی درختان‌شان را بریدند و برای ما بین نرفتن دام‌ها، به ما کمک کردند. بنا بر این نقل قول قطری‌ها در بندرگاه خود چشمه به رام می‌نشستند تا ایرانی‌ها برایشان آب و روغن بیاورند. وی با بیان اینکه ایران همواره سیاست خود را اعلام کرده ولی متاسفانه عده‌ای امروز خود را در دامان رژیم صهیونیستی انداخته و منطقه را فراموش کرده‌اند، گفت: این کشور ما نا خودآگاه در بستر دشمن قرار می‌گیرند.

علی بیگدلی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

فرصت تاریخی؛ - غرب تشنه گاز ایران است

غربی‌ها نتایج مطلوب خود را از سفر مورا نگرفتند

باید فضا را برای سرمایه‌گذاری‌های خارجی باز تر کنیم

نباید به اروپایی‌ها دل بست؛ به فکر منافع خود هستند

آرمان ملی: توافق هسته‌ای موسوم به برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) در شرایطی قرار دارد که به همان میزان که احتمال احیا و از سر گیری آن می‌رود؛ به همان میزان نیز احتمال فروپاشی و از بین رفتن این توافق وجود دارد. خواسته‌های فرا برجامی آمریکایی‌ها که باعث شده مذاکرات این مدت به بن‌بست برسد، پس از اینکه بیش از یک ماه از تعلیق مذاکرات می‌گذرد اروپایی‌ها آخرین تیر ترکش خود را برای از سر گیری مذاکرات رها کردند و اتریکه مورا را به تهران فرستادند تا شاید کورسوی امیدی برای از سر گیری مذاکرات وین بیابند. در این میان مورا به تهران آمد، مذاکرات خود را انجام داد و پیشنهادات غربی‌ها را به طرف ایرانی ارائه داد که به اذعان جوزپ بورل ایرانی‌ها نیز نگاه مثبتی به این پیشنهاد یا پیشنهادات داشته‌اند. حال با این تفاسیر باید دید تکلیف احیای برجام و از سر گیری مذاکرات چه خواهد شد. در این راستا برای بررسی نتایج سفر اتریکه مورا به تهران، شرایط برجام و حواشی پیرامون آن و تاثیر اروپایی‌ها بر مذاکرات «آرمان ملی» با علی بیگدلی، تحلیلگر مسائل بین‌الملل و استاد دانشگاه به گفت‌وگو پرداخته است که می‌خوانید.

◀ شرایط احیای برجام را با توجه به سفر اخیر آقای اتریکه مورا به تهران و اظهارات اروپایی‌ها در خصوص موفقیت‌آمیز بودن این سفر را چگونه تبیین می‌کنید؟

برخلاف آنچه که گفته شده سفر اتریکه مورا به تهران با موفقیت همراه بوده غربی‌ها نتایج مثبتی را که در انتظارش بودند به دست نیاوردند. بنابراین به رغم آنچه که جوزپ بورل گفت این سفر خیلی موفقیت‌آمیز نبوده و آقای بورل می‌خواهد فضا را تلطیف کند. قدا به نظر می‌رسد که نتایج مطلوبی به دست نیامده باشد و ایران از سطح انتظاراتش قدمی این طرف‌تر نگذاشته باشد. فضای اقتصادی کشور چندان مساعد نیست و بنابراین باید به سمت و سویی برویم که شرایط برای از سرگیری مذاکرات فراهم شود. این فضا وضعیت را برای کشورمان و حتی اروپایی‌ها نیز مشکل کرده است. البته این نوع سمت گیری ایران که از ابتدا صرفا به دنبال احیای برجام بوده اما درسنی است که باید پیگیری شود و طرفین دیگر مذاکره نیز باید همین را دنبال کنند و فقط به دنبال احیای برجام باشند و مسائل حاشیه‌ای و فرا برجامی را به میان نیاورند. ایران برای بازگشت به مذاکرات وین آماده است همان‌طور که مسئولان کشورمان نیز بارها به این مسأله تاکید داشتند که اگر آمریکایی‌ها تصمیمات درست بگیرند اما دگی لازم برای از سرگیری مذاکرات و رسیدن به توافق وجود دارد، هرچند خواسته ایران برای خروج سپاه از لیست گروه‌های تروریستی و تحریم‌های آمریکا درست است و برای از سر گیری مذاکرات و رسیدن به توافق آمریکا باید به این خواست ایران احترام بگذارد. البته طبق برخی گمانه‌زنی‌ها و تحلیل‌ها آمریکایی‌ها نیز حاضرند سپاه پاسداران را از لیست تحریم‌ها خارج کنند. گرچه از آنجا که سپاه پاسداران در حوزه‌های مختلفی فعالیت دارد و در فعالیت‌های اقتصادی با شرکت‌های مختلف همکاری می‌کند برداشتن تحریم از سپاه باید شرکت‌هایی که با این نهاد همکاری می‌کنند را نیز شامل شود. آنچه که مسلم است هر دو طرف نیازمند حل این موضوع هستند. مخصوصا اروپایی‌ها که حجم مبادلات خود را با ایران از دست دادند. مجموعه حجم مبادلاتی که بین ایران و کشورهای اروپایی مخصوصا فرانسه و آلمان وجود داشته از مجموع مبادلات تجاری ما با روسیه و چین بیشتر است؛ با توجه به این مشکلاتی که در اروپا هم به وجود آمده و از طرف دیگر نیازمندی به نفت ایران اروپا را بیشتر تحریک می‌کند به اینکه ایران را به سر میز مذاکره بنشاند و ایران نیز از این موقعیت استفاده می‌کند تا خواسته‌های خود را به غربی‌ها تحمیل کند.

> فضای اقتصادی کشور چندان مساعد نیست و بنابراین باید به سمت و سویی برویم که شرایط برای از سرگیری مذاکرات فراهم شود. این فضا وضعیت را برای کشورمان و حتی اروپایی‌ها نیز مشکل کرده است. البته این نوع سمت گیری ایران که از ابتدا صرفا به دنبال احیای برجام بوده اما درسنی است که باید پیگیری شود و طرفین دیگر مذاکره نیز باید همین مسأله را دنبال کنند و فقط به دنبال احیای برجام باشند و مسائل حاشیه‌ای و فرا برجامی را به میان نیاورند

◀ اساسا از دیدگاه شما اظهار نظرات و اعلام مواضع برخی مقامات طرف مذاکره چه میزان بر از سر گیری مذاکرات برای احیای برجام تاثیر می‌گذارد؟

فشارهایی که از سوی کنگره به بایدن وارد می‌شود را اگر بخواهیم با بدبینی بنگریم که معمولا مسائل سیاسی را اینگونه می‌بینند؛ در این فشارها گوشه چشمی هم به ایران نشان داده می‌شود که اگر برای حل این مشکل نیز که مذاکرات ندهید ما می‌توانیم در سال ۲۰۲۴ این مسأله را مثل دوره ترامپ کان لم یکن بکنیم. از طرف دیگر با توجه به وعده‌ها و قول و قرارهایی که بایدن در روزهای اول برای حل مسأله برجام گذاشته تاکنون نتوانسته موفق باشد و میزان محبوبیتش به زیر ۴۰ درصد رسیده و این برای یک رئیس‌جمهور حداقل در ۵۰ سال گذشته سابقه نداشته است. لذا باید هم تلاش می‌کند که این مسأله را به صورتی حل کند که در آستانه انتخابات کنگره حزب حامی او بتواند رای بیشتری بیاورد و نماینده‌های بیشتری را به کنگره بفرستد. حال ایران این مسأله را قهمیده و می‌خواهد امتیاز بیشتری به دست آورد و موفقیت‌هایی را به‌دست آورد و آمریکایی‌ها نیز تا حدی عقب‌نشینی کنند. اینکه آیا باید این تن به این کار می‌دهد و به رغم مخالفت‌های کنگره به سمت توافق با ایران می‌رود که در انتخابات آتی میزان محبوبیتش کمتر نشود و نتواند در انتخابات سناتورها و نمایندگانی را به کنگره بفرستد؟ البته این مسأله در مورد کشورمان نیز بعضا وجود دارد و با توجه به شرایط اقتصادی موجود دولت باید درصدد باشد تا به توافق برسد. بنابراین من بر این اعتقادم که ایران نیز می‌تواند مقداری انعطاف‌پذیری نشان دهد. من بر این باورم که می‌توانیم مقداری در استراتژی‌های جهانی تجدیدنظر کنیم.

◀ ایران صرفا احیای برجام منعقد شده در سال ۲۰۱۵ را دنبال می‌کند، اما آمریکا به دنبال فراتر از برجام است و پرونده هسته‌ای را صرفا بخشی از برجام قلمداد می‌کند؛ این تناقض و تعارض میان طرفین را چگونه تحلیل می‌کنید؟

سال ۲۰۱۵ وقتی برجام انجام شد پس از چندی برخی صحبت از برجام ۲ و ۳ کردند که مقام معظم رهبری در همان زمان اعلام کردند ما برجام دو و سه نداریم. هرچند کشورها از برجام دو و سه بحث حضور ایران در منطقه، قدرت دفاعی کشورمان و حقوق بشر وجه که اساسا مذاکره در باب این مسائل هیچگاه در دستور کار کشورمان نبوده است. البته اینکه برخی می‌گویند نباید اقتصاد کشور را به برجام گره بزنیم امکان چندانی ندارد. یعنی اگر سال‌ها با همین وضعیت اگر بخواهیم فعالیت اقتصادی کنیم با همین مشکلاتی که در حال حاضر داریم خواهیم داشت بنابراین باید فضا را برای سرمایه‌گذاری‌های خارجی باز تر کنیم و سطح تولید را با سرمایه داخلی افزایش دهیم.

◀ مهم‌ترین چالش‌های ساختاری را در اقتصاد کشور چه می‌دانید؟ چگونه می‌توان از این چالش‌ها عبور کرد؟

هنگامی که به تاریخ سیاسی ایران مراجعه می‌کنید، برخی مسئولان در دوران تعدیل ساختاری با آبوتاب شوک نرخ ارز را به عضای حضرت موسی(ع) تشبیه می‌کردند. این طرز تلقی را می‌توانید در مقاله مسعود نیلی با عنوان ارزیابی تجربه تعدیل اقتصادی در ایران مشاهده کنید. تصور آنها این بود که شوک نرخ ارز ایجاد می‌کنند و ارزش پول ملی را تضعیف می‌کنند تا از دل آن جهشی در صادرات، سقوط در واردات و افزایش تولید و اشتغال رخ خواهد داد اما این سیاست در عمل به سهم خود جایگاه بسیار بزرگی در مشکلات مردم، ورشکستگی مالی دولت، سقوط بنیه تولیدی، افزایش بی‌سابقه وابستگی‌ها به دنیای خارج، گسترش و تعمیق همه انواع نابرابری‌های ناموجه و فساد داشته است. پرسش اصلی ما این است که مدیران جامعه باید یک حد و مرزی را مرفع کنند و به ما بگویند چه اتفاقی باید رخ دهد که بفهمند این مسیر راه نجات نیست؟ ما یا یک سیاست افزایش غیرعادی و هم‌جانبه و یک سیاست چندلایه تضعیف ارزش پول ملی در سند بودجه ۱۴۰۱ روبه‌رو هستیم. طی سی‌ساله گذشته فقط یک‌قلم خسارت که دارای قابلیت سنجش کمی درباره آثار این سیاست می‌توان ذکر کرد این است که از سال ۱۳۷۰ مرتبا پول به بازار از برای تنظیم نرخ ارز وارد می‌کنند. در این مسیر طی این ۳۰ سال بالغ‌بر ۳۵۰ میلیارد دلار دارایی‌های بین نسلی کشور هزینه شد و نتیجه آن سیاست به‌اصطلاح کنترل نرخ ارز این شده که قیمت دلار ۴ هزار برابر افزایش پیدا کرده است. نظام تصمیم‌گیری کشور با مشاهده همین یک مورد باید روی ترمز بزنند و بگویند ما داریم کجا می‌رویم؟

> ۳۰سال از سیاست آزادسازی واردات می‌گذرد و سرنوشت کشور ما این است که ۸۵درصد صادرات کشور ما مواد خام است و ۸۵درصد واردات آن کالاهای سرمایه‌ای و مواد اولیه است. یکی از ارکان کلیدی بسته سیاستی تعدیل ساختاری بازی با شرکت‌های دولتی و از کارکردهای توسعه‌ای انداختن آنها تحت عنوان خصوصی‌سازی بوده است

در دولت روحانی از تجربه سال ۹۶ استفاده نکردند و در سال ۱۳۹۷ اندازه رانتی که در اثر شوک نرخ ارز ایجاد شده بود از اندازه رانت حاصل از خام فروشی بیشتر شد. آنها درس نگرفتند و در سال ۱۳۹۸ از اولین بار طی ۵۰ سال اخیر ایران شاهد آن بودیم که کل سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته قادر به جبران استهلاک سرمایه همان سال نبود.

◀ چرا در سال‌های گذشته به‌جای اصلاحات ساختاری در اقتصاد تنها به اقدامات زودبازده اکتفا شد؟ نتیجه این‌گونه تصمیم‌گیری‌ها چه بوده است؟

کشوری که در سال‌های جنگ با واردات کمتر از ۱۰ میلیارد دلار، در سال آن‌قدر شرافتمندانه و با عزت اقتصادش اداره می‌شد در دهه ۱۳۸۰ و ۱۳۹۰ با واردات به‌طور متوسط بالای ۷۰ میلیارد دلار در سال دائما دستخوش بحران‌های مختلف بود. عین آن چیزی که درباره توهم شوک‌درمانی مطرح بود، توهم آزادسازی واردات هم به بن‌بست رسیده است. مافیای واردات می‌گوید برای بالا بردن توان رقابت بنگاه‌های تولید باید واردات کالاها را آزاد کنید. می‌گویند مجوز واردات ۷۰ هزار خودرو به ما بدهید تا بازار را تنظیم کنیم آن‌هم در بازاری که تعداد خودروهای فعال در کشور حدود ۲۲ میلیون دستگاه است. چگونه می‌خواهید در این بازار تعدیل قیمت ایجاد کنید؟ اگر کسی بگوید بالای چشم مافیای واردات خودرو ابرو است آبروی برای او نمی‌گذارند. به مافیای واردات بگویید یک کشور را نشان دهید که از این طریق گرفتاری هایش را رفع کرده باشد. ما نشان دادیم در حالی که به‌طور متوسط صادرات خام فروشانه در دنیا در کل صادرات چینی حدود ۲۲درصد است در ایران از مرز ۸۵درصد نیز عبور کرده است. شاخص‌های رابطه مبادله، بهره‌وری کل عوامل تولید و پیچیدگی کاهش یافته است که توان چندلرزی کشور را تضعیف می‌کند. ۳۰ سال از سیاست آزادسازی واردات می‌گذرد و سرنوشت کشور ما این است که ۸۵درصد صادرات کشور ما مواد خام است و ۸۵ درصد واردات آن کالاهای سرمایه‌ای و مواد اولیه است. یکی از ارکان کلیدی بسته سیاستی تعدیل ساختاری بازی با شرکت‌های دولتی و از کارکردهای توسعه‌ای انداختن آنها تحت عنوان خصوصی‌سازی بوده است. خصوصی‌سازی از هر دریچه‌ای که به آن نگاه کنیم متوجه می‌شویم که به بن‌بست رسیده. یکی از مسائلی که بسیار حیاتی است این است که برخی بحث‌های کارشناسی را از مدار خارج کرده‌اند. تا یک نفر می‌گوید شما کیفیت شرکت‌های دولتی خود را بالا نبرید محال است موفق شوید به اندیشه‌های کمونیستی داشتن متهم می‌شوند. در آمریکایی که می‌گویند آزادترین اقتصاد را دارد تمام نوآوری‌های فناورانه پیشگام که قدرت چانه‌زنی اقتصادی و نظامی آمریکا را در ۵ دهه اخیر بالابرده است توسط شرکت‌های دولتی رخ‌داده است. تئوریزه کردن ضرورت استفاده از ابزار شرکت‌های دولتی برای جهش‌های توسعه‌ای در جهان سرمایه‌داری اتفاق افتاده است.

◀ چگونه می‌توان به بن‌بست رسیدن خصوصی‌سازی را درک کرد؟

وقتی شما به فلسفه وجودی شکل‌گیری شرکت‌های دولتی مراجعه می‌کنید اولین محور مباحث متفکران بزرگ سرمایه‌داری می‌گویند مواجهه خردورزانه با درماندگی‌های بازار علت تشکیل شرکت‌های دولتی است یعنی در موارد شکست بازار دولت را مجبور می‌کند که مداخله کند. محور دومی که در سطح نظری مطرح می‌کنند این است که ریسک گریزی بخش خصوصی اگر از حدودی فراتر رفت بخش دولتی باید ورود تصدی گرایانه کند. محور سوم که در آن اتفاق‌نظر وجود دارد مسأله نجات بنگاه‌های خصوصی ورشکسته اما مهم است. پدیده ملی سازی یک پدیده متعلق به جهان سرمایه‌داری جهان پیشرفته است و شرکت‌هایی که دولتی می‌شوند از موضع ملی سازی، برای رفع ناتوانی‌های بخش خصوصی ایجاد می‌شود. چهارمین محوری که روی آن تأکید می‌شود مسأله نوآوری‌های فناورانه و مواجهه با رویکردهای استراتژیک آینده است. تمهید ابزار اجرایی برای عینیت بخشیدن به اهداف و برنامه‌های خاص دولت در مورد مناطق محروم، مناطق مرزی و امور استراتژیک پنجمین فلسفه وجودی تشکیل شرکت‌های دولتی

عکس: آرمان ملی/ حجت سیهوند

دکتر فرشاد مومنی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

«درآمدهای ناپایدار» پاسخگوی تعهدات پایدار نیست

◀ دولت‌ها از روش‌های پنهان برای جبران کسری بودجه خود استفاده می‌کنند

◀ اگر کسی بگوید بالای چشم مافیای خودرو ابرو، برایش آبرو نمی‌گذارند

◀ رسانه‌ها بایی برای شفاف‌سازی سیاست‌های اقتصادی باز کنند

◀ با سیاست‌های تضعیف ارزش پول ملی در بودجه مواجه هستیم

آرمان ملی» - احسان انصاری: چرا دولت‌ها در ایران اصلاحات ساختاری را فدای اقدامات کوتاه‌مدت کرده‌اند؟ این رویکرد چه پیامدهایی برای اقتصاد ایران داشته است؟ «آرمان ملی» برای پاسخ به این سؤالات با دکتر فرشاد مؤمنی اقتصاددان گفت‌وگو کرده است. مؤمنی معتقد است: «کشوری که در سال‌های جنگ با واردات کمتر از ۱۰ میلیارد دلار در سال آن‌قدر شرافتمندانه و با عزت اقتصادش اداره می‌شد در دهه ۱۳۸۰ و ۱۳۹۰ با واردات به‌طور متوسط بالای ۷۰ میلیارد دلار در سال دائما دستخوش مشکلات مختلف بود. عین آن چیزی که درباره توهم شوک‌درمانی مطرح بود، توهم آزادسازی واردات هم به بن‌بست رسیده است. تمهید ابزار اجرایی برای عینیت بخشیدن به این پیشنهاد یا پیشنهادات داشته‌اند. حال با این تفاسیر باید دید تکلیف احیای برجام و از سر گیری مذاکرات چه خواهد شد. در این راستا برای بررسی نتایج سفر اتریکه مورا به تهران، شرایط برجام و حواشی پیرامون آن و تاثیر اروپایی‌ها بر مذاکرات «آرمان ملی» با علی بیگدلی، تحلیلگر مسائل بین‌الملل و استاد دانشگاه به گفت‌وگو پرداخته است که می‌خوانید.

◀ دولت‌ها از روش‌های پنهان برای جبران کسری بودجه خود استفاده می‌کنند

◀ اگر کسی بگوید بالای چشم مافیای خودرو ابرو، برایش آبرو نمی‌گذارند

◀ با سیاست‌های تضعیف ارزش پول ملی در بودجه مواجه هستیم

◀ رسانه‌ها بایی برای شفاف‌سازی سیاست‌های اقتصادی باز کنند

◀ مهم‌ترین چالش‌های ساختاری را در اقتصاد کشور چه می‌دانید؟ چگونه می‌توان از این چالش‌ها عبور کرد؟

هنگامی که به تاریخ سیاسی ایران مراجعه می‌کنید، برخی مسئولان در دوران تعدیل ساختاری با آبوتاب شوک نرخ ارز را به عضای حضرت موسی(ع) تشبیه می‌کردند. این طرز تلقی را می‌توانید در مقاله مسعود نیلی با عنوان ارزیابی تجربه تعدیل اقتصادی در ایران مشاهده کنید. تصور آنها این بود که شوک نرخ ارز ایجاد می‌کنند و ارزش پول ملی را تضعیف می‌کنند تا از دل آن جهشی در صادرات، سقوط در واردات و افزایش تولید و اشتغال رخ خواهد داد اما این سیاست در عمل به سهم خود جایگاه بسیار بزرگی در مشکلات مردم، ورشکستگی مالی دولت، سقوط بنیه تولیدی، افزایش بی‌سابقه وابستگی‌ها به دنیای خارج، گسترش و تعمیق همه انواع نابرابری‌های ناموجه و فساد داشته است. پرسش اصلی ما این است که مدیران جامعه باید یک حد و مرزی را مرفع کنند و به ما بگویند چه اتفاقی باید رخ دهد که بفهمند این مسیر راه نجات نیست؟ ما یا یک سیاست افزایش غیرعادی و هم‌جانبه و یک سیاست چندلایه تضعیف ارزش پول ملی در سند بودجه ۱۴۰۱ روبه‌رو هستیم. طی سی‌ساله گذشته فقط یک‌قلم خسارت که دارای قابلیت سنجش کمی درباره آثار این سیاست می‌توان ذکر کرد این است که از سال ۱۳۷۰ مرتبا پول به بازار از برای تنظیم نرخ ارز وارد می‌کنند. در این مسیر طی این ۳۰ سال بالغ‌بر ۳۵۰ میلیارد دلار دارایی‌های بین نسلی کشور هزینه شد و نتیجه آن سیاست به‌اصطلاح کنترل نرخ ارز این شده که قیمت دلار ۴ هزار برابر افزایش پیدا کرده است. نظام تصمیم‌گیری کشور با مشاهده همین یک مورد باید روی ترمز بزنند و بگویند ما داریم کجا می‌رویم؟

در دولت روحانی از تجربه سال ۹۶ استفاده نکردند و در سال ۱۳۹۷ اندازه رانتی که در اثر شوک نرخ ارز ایجاد شده بود از اندازه رانت حاصل از خام فروشی بیشتر شد. آنها درس نگرفتند و در سال ۱۳۹۸ از اولین بار طی ۵۰ سال اخیر ایران شاهد آن بودیم که کل سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته قادر به جبران استهلاک سرمایه همان سال نبود.

◀ چرا در سال‌های گذشته به‌جای اصلاحات ساختاری در اقتصاد تنها به اقدامات زودبازده اکتفا شد؟ نتیجه این‌گونه تصمیم‌گیری‌ها چه بوده است؟

کشوری که در سال‌های جنگ با واردات کمتر از ۱۰ میلیارد دلار، در سال آن‌قدر شرافتمندانه و با عزت اقتصادش اداره می‌شد در دهه ۱۳۸۰ و ۱۳۹۰ با واردات به‌طور متوسط بالای ۷۰ میلیارد دلار در سال دائما دستخوش بحران‌های مختلف بود. عین آن چیزی که درباره توهم شوک‌درمانی مطرح بود، توهم آزادسازی واردات هم به بن‌بست رسیده است. مافیای واردات می‌گوید برای بالا بردن توان رقابت بنگاه‌های تولید باید واردات کالاها را آزاد کنید. می‌گویند مجوز واردات ۷۰ هزار خودرو به ما بدهید تا بازار را تنظیم کنیم آن‌هم در بازاری که تعداد خودروهای فعال در کشور حدود ۲۲ میلیون دستگاه است. چگونه می‌خواهید در این بازار تعدیل قیمت ایجاد کنید؟ اگر کسی بگوید بالای چشم مافیای واردات خودرو ابرو است آبروی برای او نمی‌گذارند. به مافیای واردات بگویید یک کشور را نشان دهید که از این طریق گرفتاری هایش را رفع کرده باشد. ما نشان دادیم در حالی که به‌طور متوسط صادرات خام فروشانه در دنیا در کل صادرات چینی حدود ۲۲درصد است در ایران از مرز ۸۵درصد نیز عبور کرده است. شاخص‌های رابطه مبادله، بهره‌وری کل عوامل تولید و پیچیدگی کاهش یافته است که توان چندلرزی کشور را تضعیف می‌کند. ۳۰ سال از سیاست آزادسازی واردات می‌گذرد و سرنوشت کشور ما این است که ۸۵درصد صادرات کشور ما مواد خام است و ۸۵ درصد واردات آن کالاهای سرمایه‌ای و مواد اولیه است. یکی از ارکان کلیدی بسته سیاستی تعدیل ساختاری بازی با شرکت‌های دولتی و از کارکردهای توسعه‌ای انداختن آنها تحت عنوان خصوصی‌سازی بوده است. خصوصی‌سازی از هر دریچه‌ای که به آن نگاه کنیم متوجه می‌شویم که به بن‌بست رسیده. یکی از مسائلی که بسیار حیاتی است این است که برخی بحث‌های کارشناسی را از مدار خارج کرده‌اند. تا یک نفر می‌گوید شما کیفیت شرکت‌های دولتی خود را بالا نبرید محال است موفق شوید به اندیشه‌های کمونیستی داشتن متهم می‌شوند. در آمریکایی که می‌گویند آزادترین اقتصاد را دارد تمام نوآوری‌های فناورانه پیشگام که قدرت چانه‌زنی اقتصادی و نظامی آمریکا را در ۵ دهه اخیر بالابرده است توسط شرکت‌های دولتی رخ‌داده است. تئوریزه کردن ضرورت استفاده از ابزار شرکت‌های دولتی برای جهش‌های توسعه‌ای در جهان سرمایه‌داری اتفاق افتاده است.

◀ چگونه می‌توان به بن‌بست رسیدن خصوصی‌سازی را درک کرد؟

وقتی شما به فلسفه وجودی شکل‌گیری شرکت‌های دولتی مراجعه می‌کنید اولین محور مباحث متفکران بزرگ سرمایه‌داری می‌گویند مواجهه خردورزانه با درماندگی‌های بازار علت تشکیل شرکت‌های دولتی است یعنی در موارد شکست بازار دولت را مجبور می‌کند که مداخله کند. محور دومی که در سطح نظری مطرح می‌کنند این است که ریسک گریزی بخش خصوصی اگر از حدودی فراتر رفت بخش دولتی باید ورود تصدی گرایانه کند. محور سوم که در آن اتفاق‌نظر وجود دارد مسأله نجات بنگاه‌های خصوصی ورشکسته اما مهم است. پدیده ملی سازی یک پدیده متعلق به جهان سرمایه‌داری جهان پیشرفته است و شرکت‌هایی که دولتی می‌شوند از موضع ملی سازی، برای رفع ناتوانی‌های بخش خصوصی ایجاد می‌شود. چهارمین محوری که روی آن تأکید می‌شود مسأله نوآوری‌های فناورانه و مواجهه با رویکردهای استراتژیک آینده است. تمهید ابزار اجرایی برای عینیت بخشیدن به اهداف و برنامه‌های خاص دولت در مورد مناطق محروم، مناطق مرزی و امور استراتژیک پنجمین فلسفه وجودی تشکیل شرکت‌های دولتی

◀ برجام چارچوب‌ها و ضوابط خود را داشته و امروز همه به دنبال احیای آن هستند؛ اساسا خواسته‌های فرا برجامی آمریکایی‌ها که باعث شده مذاکرات این مدت به تعلیق بیفتد نوعی زیاده‌خواهی متناقض با روح برجام تلقی نمی‌شود؟

آقای کری و آقای ظریف قبل از اینکه این قرارداد امضا شود گفتند که ما فقط در چارچوب برجام در حال مذاکره هستیم و به خارج از برجام کاری نداریم. در خصوص ایران نیز وقتی با تغییر دولت و تیم مذاکره کننده آقای باقری به عنوان رئیس تیم مذاکره ایران به وین رفت گفتیم که فقط صحبت بر سر حل مشکلات برجام است. حال اگر آمریکایی‌ها به دنبال این هستند که در قالب مذاکرات احیای برجام مسائل دیگری را مطرح کنند فقط حاشیه‌ای بر متن برجام وارد خواهند کرد و اساسا خواسته‌های فرا برجامی آنها پذیرفته نخواهد شد و ایران نیز چیزی جز آنچه در درون برجام بوده را نپذیرفته و مذاکره نخواهد کرد.

◀ در مذاکرات دوره‌های هفتم و هشتم وین ایران شروط ۳ گانه‌ای را مبنی بر لغو تحریم‌ها، راستی آزمایی و تضمین مطرح کرد که مورد قبول سایر طرفین نیز قرار گرفت، اما هنوز آمریکایی‌ها نسبت به آن اعلام موضع نکرده‌اند از دیدگاه شما با توجه به شرایط فعلی می‌توان امیدوار بود که با پذیرش این شروط بتوانیم به احیای برجام امیدوار باشیم؟

گرچه در متن برجام چنین شروطی نیامده است، اما از آنجا که آمریکایی‌ها یک جانبه و غیرقانونی از برجام خارج شده‌اند این شروط ایران برای آن است که آنها اگر بخواهند به توافق برگردند شرایطی را طی کنند که دوباره هوس خروج از برجام به سر شان نزند. لذا شروط ایران کاملا طبیعی است که تحریم‌ها برداشته شود، راستی آزمایی گردیده و آمریکایی‌ها نیز نسبت به این مسأله که از برجام خارج نخواهند شد تضمین دهند. هرچند که اساسا در نظام حقوقی آمریکا چنین مسائلی وجود ندارد و آمریکایی‌ها نیز از این جهت با چالش مواجه‌اند و هنوز نتوانسته‌اند این شروط را پذیرفته و اجرایی کنند. البته آنطور که به نظر می‌رسد آمریکایی‌ها تحت فشار و تاثیر عربستان و رژیم صهیونیستی به هیچ وجه آمادگی ندارند که فقط به مساله حل برجام قناعت کنند، چرا که برجام برای عربستان چندان اهمیتی ندارد و آنها به دنبال منافع خود هستند که در منطقه بتوانند حوزه نفوذ خود را گسترش دهند. البته پیش از این نیز بارها گفته شده که با حل مساله برجام مشکلاتمان با غرب حل نمی‌شود. لذا شرایط مقداری پیچیده شده که باید با مقداری انعطاف پذیری از سوی دو طرف مساله حل و فصل شود. بسیاری بر این باورند که موضوع منازعه میان روسیه و اوکراین تاثیر مستقیمی بر مذاکرات وین و احیای برجام داشته است؛ اساسا نوع و تاثیر بحران اوک